

پیران پیرایشگر واژه‌پرداز (۲)

فرهاد طاهری

نویسنده و پژوهشگر تاریخ فرهنگ معاصر ایران

در قسمت دوم از کارگاه ویرایش جمله‌هایی از کتاب علم‌الجمال و جمال در ادب فارسی نوشته دکتر سیمین دانشور با ویرایش استاد احمد سمیعی گیلانی نقل می‌شود. از عادت‌ها و اخلاق بسیار درس‌آموز استاد سمیعی گیلانی، شیوه مطالعه و دقت او در خواندن بود. هر کتاب یا نوشته‌ای که به قصد خواندن به دست می‌گرفت، در حواشی و ذیل صفحات، با نهایت حوصله و نکته‌بینی، آراء یا قضاوت خود را با خطی بسیار ریز و زیبا می‌نوشت، جملات و عبارات نظرگیر را با مداد فسفری رنگی می‌کرد یا در بعضی جمله‌های کتاب دست می‌برد و با ویرایش ادبی و محتوایی، از نادرستی‌ها و لغزش‌ها و ابهام‌های متن می‌کاست و آن را می‌پیراست. عادت همیشگی او در مطالعه آثاری که با شوق سراغ آنها می‌رفت این‌گونه بود. با بررسی حواشی نگاری‌ها و رنگین جمله‌ها در صفحات آثاری که استاد سمیعی خوانده است می‌توان به مقبولیت و اعتبار چنین کتاب‌هایی در نظر و نزد استاد نیز پی برد. در بعضی کتاب‌ها، صفحات حاشیه‌نویسی و رنگین شده انگشت‌شمار و در برخی کتاب‌ها، از آغاز تا پایان، تقریباً بیشتر صفحات حاشیه‌نویسی و رنگی شده است. کتاب علم‌الجمال و جمال در ادب فارسی، اثر دکتر سیمین دانشور (با بازنگری و تدوین دکتر مسعود جعفری)، از زمره آثاری است که استاد سمیعی از آغاز تا پایان آن را به دقت مطالعه کرده و در حواشی آن یادداشت نوشته و بعضی جمله‌های آن را نیز ویرایش کرده است.

شواهدی از جمله‌های ویرایش‌شده این کتاب به قلم استاد سمیعی نشان می‌دهد که استاد در ویرایش جمله‌ها، به خلاف شیوه مرسوم و عادت دیرینش در ویرایش، به نهایت کوشیده است تا از اعمال ویرایش سلیقه‌ای، خود را برکنار دارد. دخل و تصرف او در جمله‌ها، حداقل و تماماً نیز معطوف به «تغییر یا اصلاح» مفردات مطابق با اصول پذیرفتنی و عقلانی ویرایش زبانی و محتوایی است (مانند: ابهام‌زدایی، حشو و تکرار‌پیرایی، ایجاز‌اندیشی در نگارش،

اصلاح اغلاط محتوایی و معنایی و لغزش‌های قلمی و ...). همچنین در شواهد و ویرایش‌های استاد، لحن و سبک نگارش نویسنده مصون و دست نخورده مانده است.

علم‌الجمال: یکی از نخستین کسانی که به دریافت درجهٔ دکترا در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نائل می‌شد.

استاد سمیعی: یکی از نخستین کسانی که به دریافت درجهٔ دکتری در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نائل می‌شد.

علم‌الجمال: برای تطبیق نقل‌قول‌ها با مآخذ اصلی و ... با دشواری‌های متعدد روبه‌رو می‌شویم.

استاد سمیعی: برای تطبیق نقل‌قول‌ها با مآخذ اصلی و ... با دشواری‌های متعدد روبه‌رو شدیم.

علم‌الجمال: ... با مراجعه به چاپ‌های دیگر و جست‌وجو در منابع مختلف، آنها را اصلاح کنیم.

استاد سمیعی: ... با مراجعه به چاپ‌های دیگر و جست‌وجو در منابع، آنها را اصلاح کنیم.

علم‌الجمال: تدوین‌گر این اثر به‌خاطر حسن‌ظن و عنایت نویسنده، نظارت بر چاپ این کتاب را ... بر عهده داشته و ...

استاد سمیعی: تدوین‌گر این اثر با برخوردارگی از حسن‌ظن و عنایت نویسنده، نظارت بر چاپ این کتاب را ... بر عهده داشته و ...

علم‌الجمال: در همهٔ این موارد سعی ما بر این بوده است که اگر خطای آشکاری در نقل‌قول‌ها دیده می‌شود...

استاد سمیعی: در همهٔ این موارد سعی ما بر این بوده است که هرگاه خطای آشکاری در نقل‌قول‌ها دیده شود...

علم‌الجمال: ابراهیم گلستان ... از خانواده‌ای منتفذ بود. در دوران نوجوانی، دانشور از هم‌بازی‌های او بود.

استاد سمیعی: ابراهیم گلستان ... از خانواده‌ای منتفذ بود. در دوران نوجوانی، از هم‌بازی‌های دانشور بود.

علم‌الجمال: ... تصویری که دانشور در گفت‌وگوهای خود از شیراز دورهٔ کودکی و نوجوانی‌اش ارائه می‌دهد، تصویری پر از شادی‌های انسانی و زیبایی‌های طبیعی است.

خودش عقیده دارد که اعتمادبه‌نفس و روحیه امیدوار او، تا حدی در همین کودکی ریشه دارد. به تعبیر خود او «در کودکی چاشنی مهر مادر و پدر و بازی با خواهران و برادرانم مرا نواخت».

استاد سمیعی: تصویری که دانشور در گفت‌وگوهای خود از شیراز دوره کودکی و نوجوانی اش ارائه می‌دهد، پر از شادی‌های انسانی و زیبایی‌های طبیعی است. خودش عقیده دارد که اعتمادبه‌نفس و روحیه امیدوار او، تا حدی در همین کودکی ریشه دارد. می‌نویسد: «در کودکی چاشنی مهر مادر و پدر و بازی با خواهران و برادرانم مرا نواخت»
علم‌الجمال: ... در ارتباط با همکاران و همگنان خود صریح و روشن رفتار نمی‌کرد...
استاد سمیعی: در ارتباط با همکاران و اقران خود صریح و روشن رفتار نمی‌کرد...

علم‌الجمال: درباره صورتگر نیز از روحیه شوخ و طناز او سخن‌ها دارد.

استاد سمیعی: دانشور از روحیه شوخ و طناز صورتگر نیز سخن‌ها دارد.

علم‌الجمال: وقایع داستان به لحاظ تاریخی در دهه بیست شمسی می‌گذرد.

استاد سمیعی: وقایع داستان به لحاظ تاریخی در سال‌های بیست شمسی می‌گذرد.

دانشور: هنر میزانشن هنری است که توافق و سازش را بین هنرها ایجاد می‌کند.

استاد سمیعی: هنر صحنه‌پردازی (هنر به صحنه آوردن) هنری است که توافق و سازش را بین هنرها ایجاد می‌کند.

دانشور: علم‌الجمال.... دانشی است که درباره احساس زیبایی و هنر گفت‌وگو می‌کند.
استاد سمیعی: علم‌الجمال.... دانشی است که از احساس زیبایی و هنر گفت‌وگو می‌کند.

دانشور: این شاعران بیشتر از مغناطیسی که جذب می‌کند و آهنی که جذب می‌شود چون وچرای کار خود را نمی‌دانند..

استاد سمیعی: این شاعران بیشتر از مغناطیسی که جذب می‌کند و آهنی که جذب می‌شود چند و چون (کم‌وکیف) کار خود را نمی‌دانند..

دانشور: اما موضوعی که از نظر علم‌الجمال در آثار افلاطون جالب‌توجه است موضوع محاکات یا تقلید است.

اظهار نظر استاد سمیعی درباره این جمله: محاکات برابری است نه تقلید. محاکات تقلید واقعیات نیست بلکه امری است که در برابر واقعیت قرار می‌گیرد.

دانشور: در این کتاب بیشتر به هنرهایی که جنبه معنوی شان برجسته بوده، مانند ادبیات، موسیقی، شعر و نقاشی، توجه شده است. اظهار نظر استاد سمیعی درباره این جمله: از ادبیات، فقط شعر را در مقوله هنر جای داده اند.

دانشور: ... فلاسفه اخیر عقاید او را دارای ارتباط اندکی با علم الجمال کنونی می دانند و حتی بعضی از فلاسفه عقاید او را انتقادی مفید و تعدیلی کارآمد نسبت به اصول امروزی علم الجمال می شمارند.

استاد سمیعی پیشنهاد کرده اند «حتی» از جمله فوق حذف شود و در توضیح آن چنین گفته اند: این سوی و آن سوی «حتی» با هم مغایرند، در حالی که «حتی» تأکید ماقبل است و در این مورد جایی ندارد.

دانشور: ... این تطهیر عواطف و پاکی روح نتیجه لذتی است که از هنرها حاصل می شود.

استاد سمیعی: این تطهیر عواطف و روان پالایی نتیجه لذتی است که از هنرها حاصل می شود.

دانشور: باز در همین زمان به شعرایی از قبیل لانگینوس (قرن اول میلادی) بر می خوریم.

استاد سمیعی پیشنهاد کرده اند به جای لانگینوس که تلفظ انگلیسی آن است تلفظ اصیل آن لونگینوس را بیاوریم.

دانشور: مرکز شعر و سایر هنرها، قسمت تحتانی مغز است. این قسمت فعال است و دارای نیروی عجیبی است که مغشوش و درهم است و تصور نام دارد.

استاد سمیعی: مرکز شعر و سایر هنرها، قسمت تحتانی مغز است. این قسمت فعال است و دارای نیروی عجیبی است که مغشوش و درهم است و تخیل نام دارد.

دانشور: روح ما چیزی را به زیبایی می شناسد که بهره اش زیاد و نور خدایی بر آن بیش از دیگران تافته باشد.

استاد سمیعی: روح ما چیزی را به زیبایی می شناسد که بهره اش زیاد و نور خدایی بر آن بیش از دیگر چیزها تافته باشد.